

سیری در تاریخ فلسطین

از آغاز تا پایان سال ۲۰۰۳ میلادی

علی سپهری اردکانی

شناسنامه :

نام : سیری در تاریخ فلسطین

تألیف علی سپهری اردکانی

نوبت چاپ : اول ۱۳۸۲

مقدمه

فلسطین پاره ای از پیکر جهان اسلام می باشد که بیش از نیم قرن است در اشغال صهیونیست های غاصب در آمده و مردم فلسطین تنها ملتی هستند که علی رغم داشتن سرزمین آباء و اجدادی، سالهاست که آواره شده اند و در کشورهای مختلف در اردوگاه زندگی می کنند و کودکان فلسطینی چه بسا در اردوگاه ها متولد شده، بزرگ می شوند و می میرند و هیچگاه سرزمین اصلی خود را نمی بینند. جالب اینکه این مردم محروم حتی در اردوگاه های خود نیز در امن و امان نیستند.

کشتار فلسطینیان در سپتامبر ۱۹۷۰ به دست شاه حسین در اردن، قتل عام آنها در

اردوگاه های صبرا و شتیلای لبنان به دست شارون - نخست
وزیر فعلی

رژیم صهیونیستی - کشتار زنان و کودکان فلسطینی در
اردوگاه تل زعتر در لبنان به دست فالانژیست های لبنان
نشانه ی بارز این مظلومیت می باشد. متأسفانه سران
کشورهای اسلامی که اغلب دست نشانده یا وابسته به
کشورهای امپریالیستی هستند نه تنها برای رهائی این مردم
هیچ اقدام اساسی به عمل نمی آورند و بلکه برای به سازش
کشاندن آنها از هیچ کوششی دری نمی نمایند قبول طرحهای
صلح کمپ دیوید، اسلو، نقشه راه و تشکیل دولت خودگردان
واخیراً پذیرش نقشه راه از جمله این تلاشها می باشد. مردم
محروم فلسطین از یک طرف باید آماده مبارزه بارژیم
صهیونیستی باشند و از طرفی دیگر چون در تأمین مایحتاج
خود نیاز به دولتهای مرتجع و وابسته دارند با هزار زحمت
باطرحهای خائنانه آنها را خنثی نمایند ، اما امروز جهان عرب

کاملاً با گذشته متفاوت می باشد، سران کشورهای در گیر با اسرائیل یکی پس از دیگری به کام مرگ فرورفته اند و چهره های جدید در رأس آن کشور ها قرار گرفته اند سادات طراح صلح کمپ ترور گردید ، شاه حسین بر اثر بیماری سرطان در گذشت ، صدام از قدرت خلع گردید و حافظ اسد تنها رهبر عربی بود که تا پایان عمر مقاومت نمود و سر انجام بر اثر سکت قلبی دار فانی را وداع گفت و تنها باقیمانده از گروه رهبران عرب یاسر عرفات می باشد که متأسفانه مشی مبارزه مسلحانه را کنار گذاشته و خط شازش را در پیش گرفته و تاکنون از این راه نیز هیچ طرفی نبستند. و تشکیل دولت خود گردان هیچ گاه نتوانسته آتش مبارزه در میان فلسطینی ها را خاموش سازد و امروز نه سازشکاران به او دلبستگی دارند و نه مبارزان به او امیدواری، بلکه عملاً در حال حذف شدن از صفحه سیاست می باشد و در این اوضاع واحوال تنها امید مردم در فلسطین اشغالی انتفاضه می باشد

که جوششی مردمی است و نیروی است با سنگ آغاز شده
و تاکنون بر تانکهای اسرائیلی برتری داشته و تا حد زیادی
انتظارات مردم زجر کشیده فلسطین را بر آورده ساخته لذا در
این نوشته کوتاه سعی گردیده سیر این مبارزه را از آغاز تا
انتفاضه بصورت خلاصه در اختیار خوانندگان عزیز قرار گیرد ،
امید آنکه این هدیه بسیار ناچیز مورد قبول حق تعالی قرار
گیرد و نام ما را در ردیف دوستداران قدس شریف و همراهان
مردم مظلوم فلسطین قلمداد فر مایند. همچنانکه آن پسر زن
مصری با عرضه مقدار بسیار ناچیزی از از دست ریس خود در
ردیف خریداران حضرت یوسف قرار گرفت .

علی سپهری اردکانی

آذر ماه ۱۳۸۲

آشنایی با خاورمیانه

خاور میانه به عنوان زادگاه پیامبران الهی و خواستگاه تمدنهای بزرگ بشری در نقطه حساس از جهان قرار گرفته است و وسعت خاور میانه تقریباً ۶/۵ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن نزدیک ۳۵۰ میلیون نفر است حدود تقریبی خاور میانه عبارت است از شمال به روسیه و از شرق به پاکستان ، از غرب به دریای مدیترانه و از جنوب به اقیانوس هند یا به

عبارتی دیگر ما بین خاور دور (چین ، ژاپن ، اندونزی و....)
و خاور نزدیک (لیبی ، الجزایر ، مرکش و.....) قرار گرفته است

موقعیت استراتژیک خاور میانه

خاور میانه از نظر موقعیت جغرافیایی پلی است بین سه قاره
اروپا ، آسیا ، آفریقا و کشور فلسطین در حساسترین نقطه این
منطقه قرار دارد به طوری که بر سه قاره بزرگ جهان تسلط
دارد ، هر قدرتی که بر این نقطه از جهان تسلط یابد می تواند
به راحتی هر ناحیه از سه قاره مذکور که بخواهد مورد هدف
قرار دهد

وتلاش قدرتهای بزرگ در تأسیس اسرائیل در این منطقه
ونفوذ بیش از حد آمریکا در خاور میانه ناشی از همین موقعیت
استراتژیک منطقه می باشد علاوه بر این وجود کانال سوئز ،
تنگه های هرمز ، بسفر و داردانل به عنوان شاهرگهای حیاتی
جهان در این منطقه قرار دارند .

اهمیت اقتصادی خاورمیانه

خاور میانه بزرگترین تولید کننده نفت جهان است و بیش از نصف نفت مصرفی غرب از این منطقه تأمین می شود اما متأسفانه صاحبان اصلی نفت از منبع خدادادی بهره کافی نمی برند و کشورهای غربی مخصوصاً آمریکا با اعمال فشار بر حکومت‌های دست نشانده ، نفت این منطقه را با نازلترین قیمت به دست می آورند و به فرموده حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی اگر این منبع عظیم انرژی در اختیار آنها بود برای هر استکان آن جان مردم را به لبشان می رساندند .

نقش دین اسلام در خاورمیانه

خاورمیانه خاستگاه دین مبین اسلام و مرکز دنیای اسلام می باشد قدس شریف اولین قبله مسلمین است و حضرت رسول

اکرم(ص) در آنجا به معراج رفته است و کعبه معظمه میعادگاه
میلیونها نفر از سراسر جهان در این منطقه قرار دارد .

و با وجود بیش از ۳۵۰ میلیون مسلمان در این منطقه تهدید با
القوه ای برای دشمنان اسلام محسوب می گردد و به راه
انداختن جنگهای صلیبی و تقسیم امپراطوری عثمانی به
کشورهای کوچک و بی اراده بخشی از تضعیف قدرت
مسلمانان در خاورمیانه بوده است چنان که تشکیل رژیم
صهیونیستی در خاور میانه بخش دیگری از سناریوی غرب
علیه جهان اسلام می باشد .

اشغالگران قدس پس از پیروزی در جنگ شش روزه
۱۹۶۷ آن را پاسخی برای فتح خیبر در زمان پیامبر اکرم(ص)
دانستند و حتی بوش رئیس جمهور آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر
(۲۰ شهریور ۱۳۸۰) آغاز جنگ صلیبی دیگری را خبر داد و
انقلاب اسلامی ایران و سرنگونی یکی از حکومتهای دست
نشانده آمریکا در منطقه بر حساسیت خاور میانه افزوده است،

ابر قدرتها و در رأس آنها آمریکا برای بدست آوردن منابع
عظیم انرژی و تسلط بر جهان اسلام حتی برای اعمال فشار
بر روسیه ، چین و ژاپن احتیاج به جا پای محکمی در خاور
میانه دارند که رژیم اشغالگر قدس می تواند تا حد زیادی
این نقش را برای آنها ایفا نماید .

نقشه راه در اصل نیرنگی بود تا بوسیله آن بتوانند با ایجاد
شکاف میان فلسطینی ها زمینه فرو پاشی فلسطین را از
درون فراهم سازند این بار نیز با تیزهوشی و هوشیاری گروه
های جهادی طرح های آنها برای فروپاشی فلسطین با
شکست مواجه گردید و نقشه راه به نقشه بحران برای آمریکا
وصهیونیست ها تبدیل گردید .

سیری در تاریخ فلسطین

سرزمین فلسطین از شمال به کشور لبنان، از جنوب به مصر،
از شرق به اردن و سوریه و از مغرب به دریای مدیترانه

محدود است. مساحت آن بالغ بر ۲۰۷۰۰ کیلومتر مربع می باشد .

حدود دو هزار و پانصد سال پیش از میلاد حضرت مسیح(ع) عربها که به کنعانیان معروف بودند در این سرزمین سکونت گزیدند و سپس قومی به نام فلسطینیون به این منطقه وارد شدند و جای کنعانیون را گرفتند و نام فلسطین براین سرزمین گذاشتند. حضرت ابراهیم پس از هجرت از بابل در یکهزار و هشتصد و پنج سال قبل از میلاد به این سرزمین وارد گردید و آنجا را مسکن و ماوای خود قرارداد و فرزندش اسحاق در این سرزمین متولد گردید. اسحاق صاحب پسری گردید بنام یعقوب که به اسرائیل مشهور است و به همین جهت یهودیان خود را فرزندان حضرت یعقوب (بنی اسرائیل) می نامند.

یعقوب دوازده پسر داشت که از میان آنها یوسف در اثر دشمنی برادرانش در کودکی به چاه افکنده شد و آنگاه پس از

بیرون آوردن از چاه بعنوان غلام در مصر فروخته شد. یوسف در مصر پس از تحمل سختی و زندان به عزیزی که مقامی عالیرتبه بود دست یافت.

حضرت یعقوب و سایر فرزندان او که بعزت پدیدار شدن قحطی در فلسطین و کنعان به مصر رفتند و نزد یوسف ماندند. کم کم جمعیت خاندان یعقوب (بنی اسرائیل) افزایش یافت و حضرت موسی در میان آنها متولد گردید.

یاران موسی در زمان رامسس دوم فرعون معروف مصر تحت فشار و عذاب شدید قرار گرفتند و حضرت موسی آنها را از چنگال آن شاه ظالم نجات داده از مصر بطرف فلسطین حرکت نمودند، اما یهودیان حاضر نشدند به فلسطین بروند و پس از چهل سال سرگردانی حضرت موسی در بین راه درگذشت و بنی اسرائیل به رهبری حضرت یوشع وارد فلسطین شدند و شهر اریحا را به تصرف در آوردند و تمام ساکنین آن را قتل عام نمودند. یهودیان در زمان حضرت داود

و فرزندش حضرت سلیمان دارای قدرت و اقتدار شدند اما بعدها در طول تاریخ (هزار سال قبل از میلاد) بعثت جنگ با ساکنان اصلی فلسطین و مسیحیان در اکثر نقاط دنیا پراکنده شدند.

در آغاز قرن نوزدهم میلادی انگلیس و فرانسه که به اندیشه تجزیه امپراتور عثمانی افتاده بودند بر آن شدند تا پس از تحریک اعراب برای کسب استقلال از عثمانی زمینه های لازم را برای تاسیس دولتی غیر عرب در حدفاصل قاره آسیا و آفریقا کاملاً وابسته به خود که از نظر فرهنگ و نژاد امکان وحدت با اعراب نداشته باشند فراهم آورند. «هرتزل» بنیانگذار «صهیونیسم» که کتاب دولت یهود را نوشت در آغاز «اوگاندا» را برای تشکیل چنین دولتی در نظر گرفت اما کنگره هفتم یهودیان اوگاندا را رد کرد و کشور فلسطین را پیشنهاد نمود.

اسکان یهودیان در فلسطین

تا قبل از جنگ جهانی اول که سرزمین فلسطین جزو امپراطوری عثمانی محسوب می شد اکثریت ساکنان آن مسلمانان فلسطینی بودند و با اقلیت یهودی و مسیحی ساکن در این سرزمین همزیستی مسالمت آمیز داشتند طبق آمار منتشر شده در سال ۱۹۱۸ نودودو درصد از ساکنان فلسطین عرب فلسطینی بودند که بر ۹۷/۵٪ خاک فلسطین تسلط داشتند و یهودیان ۸٪ از جمعیت آنجا را تشکیل می دادند یعنی فقط ۵۶ هزار یهودی در فلسطین زندگی می کردند که مالک ۲/۵٪ از اراضی آنجا بودند (۱)

در جنگ جهانی اول دولت انگلیس، برای جلب رضایت یهودیان آمریکا که اغلب از سرمایه داران بزرگ بودند و تشویق آمریکا برای شرکت در جنگ جهانی اعلامیه ای بنام اعلامیه «بالفور» صادر نمود و طبق مواد این اعلامیه دولت انگلیس به یهودیان وعده داد که قسمتی از خاک فلسطین را

به آنها واگذار نماید. پس از صدور این اعلامیه جنبشی بنام جنبش «صهیونیست» تشکیل گردید که یهودیان را از سراسر جهان به خاک فلسطین اعزام نماید. و در نتیجه تعداد یهودیان در سال ۱۹۴۸ به هفتصد هزار نفر رسید.

واژه صهیونیست

در جنوب غربی شهر بیت المقدس کوهی قرار دارد بنام صهیون که مسجدالاقصی مسلمانان و بعضی از معابد یهودیان و بناهای مقدس مسیحیان بر فراز آن کوه کم ارتفاع قرار دارد و کسانی که می خواستند فلسطین کشور مستقل یهودی باشد و بیت المقدس پایتخت آن کشور (صهیونیست) نامیده شدند. جنبش صهیونیست توانست یهودیان زیادی را از سراسر جهان به خاک فلسطین منتقل نماید و انگلستان نیز فلسطین را به دو بخش یهودی نشین و مسلمان نشین تقسیم کرد. یهودیان

چون سرمایه زیادی داشتند شروع به خریدن زمینهای مسلمانان در بخش مسلمان نشین نمودند و مزارع و باغ و خانه های مسلمانان را با قیمت گزافی خریداری نمودند. مسلمانان که سالها زیر فشار انگلستان بسر برده بودند و خبر از نقشه های شوم آنها نداشتند منازل و باغهای خود را به یهودیان می فروختند و پس از چند سال یهودیان علاوه بر بخش یهودی نشین، قسمت بزرگی از بخش مسلمانان را هم تصرف کردند و از همین زمان بود که اختلاف میان یهودیان تازه وارد و اعراب ساکن فلسطین آغاز گردید و منجر به جنگها و زد و خورد های کوچک و بزرگ گردید و تاکنون نیز ادامه دارد.

تقسیم فلسطین

دولت انگلیس در سال ۱۹۴۷ مسئله فلسطین را به سازمان ملل ارجاع داد و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۹

نوامبر سال ۱۹۶۷ تحت فشار دولتهای حامی صهیونیسم رای به تقسیم فلسطین داد به این ترتیب که حدود ۲۰۶۷۳ کیلومتر مربع که حدود ۷۸٪ خاک فلسطینی محسوب می گردید و به اشغالگران واگذار نمود و کناره غربی رود اردن که ۵۲۹۵ کیلومتر مربع وسعت داشت و ۲۰٪ از خاک فلسطین محسوب می گردید در اختیار اردن قرار داد و نوار غزه که ۳۵۴ کیلومتر مربع وسعت داشت و برابر ۱/۵٪ خاک فلسطین بود به مصر واگذار نمود و دولتهای غربی بلافاصله دولت جدیدالتأسیس اسرائیل را به رسمیت شناختند و در نتیجه ۷۵۰۰۰۰ نفر از مردم فلسطین آواره گردیدند. (۱)

کشتار دیر یاسین

در روز دهم آوریل سال ۱۹۴۸ سربازان اسرائیلی به یکی از دهات نزدیک بیت المقدس به نام دیر یاسین حمله کردند و با بلندگو به ساکنین آن اعلام کردند عربها باید فوراً دهکده را

ترک نمایند. مردم بی دفاع گیج و حیران با ناراحتی به این طرف و آن طرف می دویدند تا علت این حمله را بدانند. سربازان اسرائیلی مانند گرگهای خونخوار مردم، را محاصره نمودند و شروع به دریدن شکمهای زنان آبستن کردند و کودکان شیرخوار را در دامن مادرها سر بریدند و در جلو چشم آنها بدنهای کوچکشان را آتش زدند. خلاصه هر چه از زن و مرد و پیر و جوان، عاجز و بیمار که در آن دهکده بود بقتل رساندند و گوش و بینی آنها را بریدند و چشمهایشان را بیرون آوردند و آنگاه بدنهای نیمه جانسان را در چاه ریختند و به جز، چند دختر جوان، کسی را در آن دهکده زنده نگذاشتند؛ چنانکه نماینده صلیب سرخ چند روز بعد موفق شد در میان جسد‌های مثله شده داخل چاه، جسد یک کودک شش ساله ای که هنوز رمقی داشت مشاهده کند و فوراً او را به بیمارستان برده معالجه نماید.

سربازان اسرائیلی آنگاه دختران جوان را لخت و عریان کرده در کامیونهای بدون سرپوش ریخته و در شهرهای یهودی نشین در بین مردم عبور می دادند و یهودیان پست و رذل از آنها عکس می گرفتند.

کشتار ناصر الدین

نظیر همین فاجعه را سربازان اسرائیلی در قریه ناصر الدین نزدیک طبریه انجام دادند و تمام ساکنان آن را کشتند و خانه های آن را آتش زدند. یهودیان در این تجاوزات برای ترساندن اعراب دست به هر جنایتی می زدند تا در تجاوزات بعدی عربها بدون مقاومت فرار کنند و همه چیز خود را برای یهودیان بگذارند.

جنگ اول اعراب و اسرائیل

پس از این کشتار وحشتناک بود که مردم کشورهای عربی دولتهای خود را تحت فشار قراردادند تا نیروهای کمکی به

فلسطین اعزام نمایند، در نتیجه سربازان مصر، سوریه، اردن، لبنان و عراق به سرعت وارد فلسطین شدند و بخش بزرگی از آن را به تصرف در آورند. یهودیان که به مراتب ضعیفتر بودند و قدرت مقاومت نداشتند دست به دامان سازمان ملل متحد شدند. سازمان ملل متحد بلافاصله در خاک فلسطین آتش بس اعلان نمود و جنگ میان اعراب و اسرائیل متوقف شد. در مدت زمانی که آتش بس در میان دو طرف برقرار بود یهودیان از موقعیت استفاده کرده اسلحه فراوانی از کشورهای مختلف خریداری کردند. پس از پایان مدت بیست روزه آتش بس، یهودیان که مسلح به سلاحهای مدرن شده بودند با یک حمله برق آسا موفق شدند اعراب را از سرزمین فلسطین بیرون رانده قسمت بزرگی از بخش عرب نشین بیت المقدس را تصرف نمایند. عامل اصلی شکست اعراب در این جنگ ناهماهنگی و عدم وحدت در میان آنها و پشتیبانی

دولتهای آمریکا و شوروی و انگلستان از یهودیان باید دانست.

در این جنگ گروه زیادی از اعراب فلسطین آواره و بی خانمان شدند و آوارگان در کشورهای اردن - سوریه - مصر و لبنان و دیگر کشورهای اسلامی اقامت کردند. فلسطینی های رانده شده در کشورهای سوریه و اردن و مصر دسته های چریکی تشکیل دادند که بزرگترین آنها سازمان الفتح (سازمان آزادی بخش فلسطین) می باشد.

این چریکها در سرزمینهای اشغالی با جنگهای چریکی ترس و وحشت عظیمی در دل یهودیان ایجاد و مشکلات فراوانی برای آنها بوجود آوردند.

جنگ دوم ۱۹۵۶

جمال عبدالناصر رئیس جمهوری مصر در سال ۱۹۵۶ کانال سوئز را که در دست انگلیسی ها بود ملی اعلام کرد و دست آنها را از آن منطقه کوتاه کرد.

دولت انگلیس که منافعش به خطر افتاده بود با دولت فرانسه که میانه خوبی با مصر نداشت وارد مذاکره شد تا چاره ای برای بدست آوردن کانال سوئز پیدا کند.

دولت فرانسه نیز به علت کمکهای ناصر به انقلابیون الجزایر به شدت از حکومت مصر ناراحت بود. سرانجام دولتهای انگلیس و فرانسه برای از میان برداشتن حکومت مصر و تصرف کانال سوئز با دولت اشغالگر فلسطین وارد مذاکره شدند. نتیجه این مذاکرات حمله سریع نیروهای دولت اشغالگر فلسطین و فرانسه و انگلیس به مصر بود. نیروهای فرانسه و انگلیس با صدها ناو و ناوچه و ناوهای هواپیمابر، به سواحل مصر نزدیک شده به بمباران این کشور مشغول

شدند. یهودیان در این جنگ از نظر نیروی هوایی ضعیف بودند ولی فرانسوی ها دفاع از آسمان اسرائیل را بر عهده گرفتند.

نیروی زمینی اسرائیل با سرعت قسمت بزرگی از صحرای سینا متعلق به مصر را تصرف کرد. اما چریکهای فلسطینی ضربات شدیدی به صهیونیستها وارد آوردند و چندین دهکده یهودی نشین را منفجر کردند.

دولت آمریکا در این جنگ خود را بی طرف اعلام کرد، ولی دولت شوروی به طرفداری اعراب پرداخت و اخطار کرد اگر انگلستان و فرانسه از خاک مصر بیرون نروند ارتش شوروی پایتخت های انگلستان و فرانسه را بمباران اتمی می کند. این عمل غافلگیرانه شوروی باعث گردید تا نیروهای فرانسه و انگلیس و یهودیان اشغالگر سرزمینهای مصر را تخلیه نمایند. این جنگ به نفع عبدالناصر خاتمه یافت و باعث بالا رفتن مقام او در میان جهان عرب گردید. پس از این جنگ، عربها

مغرور شده و در گوشه و کنار کشورهای عربی مرتباً تظاهرات بر علیه یهودیان به راه می انداختند. دولتهای عربی نیز اعلام می کردند باید صهیونیست از بین برود و یهودیان را باید در دریا ریخت.

اشغالگران فلسطین از این موقعیت استفاده کرده و از آمریکا و انگلستان تا اندازه ای که ممکن بود ساز و برگ نظامی دریافت می کردند.

جنگ سوم

در سال ۱۹۶۷ دولت مصر خلیج عقبه را به روی کشتیهای دولت اشغالگر قدس بست و مانع از ورود و خروج کشتیها به بندر اسرائیلی ایلات گردید. یهودیان که از نظر نظامی کاملاً مجهز بودند روز پنجم ژوئن سال ۱۹۶۷ جنگ را آغاز کردند. هواپیماهای اسرائیلی در ارتفاع بسیار کم به سوی کشورهای عربی به حرکت درآمدند. علت پرواز با ارتفاع کم این بود که

اولاً رادارهای مصر و سایر کشورهای عربی آنها را شناسند و
ثانیاً پرواز در ارتفاع کمتر از صد متر باعث می شد که
موشکهای ضد هوایی اعراب که به علت ارتفاع کم نمی
توانست سرعت لازم را بدست آورد باعث نابودی آنها نشود.
هوایمهای دولت اشغالگر قدس در مدت کوتاهی بیشتر
هوایمهای مصر، سوریه، اردن و عراق را در فرودگاههای این
کشورها نابود کردند. فقط چند فروند هوایمهای عراقی
توانست فرودگاه ناتانیا را در خاک فلسطین اشغالی بمباران
کند که بلافاصله اسرائیلیها با فرستادن چند فروند هوایمهای
میراژ ساخت فرانسه فرودگاه کرکوک عراق را بمباران کردند
و چندین هوایمهای عراقی را ساقط نمودند. در این حملات
اولیه قریب چهارصد فروند از هوایمهای دولتهای عربی به
کلی از بین رفت و بدین ترتیب نیروی هوایی رژیم اشغالگر
قدس مالک آسمان تمام کشورهای عربی گردید.

اشغالگران پس از این پیروزی چشمگیر نیروی زمینی خود را وارد جنگ نمودند و ستاد ارتش اشغالگر قدس دستور داد اول باید مصریان را از صحرای سینا بیرون راند و آنگاه به جنگ با سایر کشورهای عربی پرداخت. نیروهای اسرائیلی با مقاومت شدید رزمندگان مصری مواجه شدند و توپخانه مصر به شدت مواضع دشمن را در هم کوبید اما چون مصریان فاقد هواپیمای جنگی بودند توان لازم را برای دفاع از خود نداشتند. لذا دشمن اشغالگر قدس با پشتیبانی هواپیماهای جنگی خویش و پیاده کردن چترباز در پشت جبهه مصر موفق شد در روز پنجم جنگ، نیروهای مصری را تا آن طرف کانال سوئز عقب براند.

شکست ارتش مصر آن هم پس از پنج روز جنگ باعث گردید تا ناصر به شدت ناراحت گردد و برای جبران این ناراحتی وی در روز نهم ژوئن از مقام ریاست جمهوری مصر استعفا کرد. ولی مردم مصر که در آن هنگامه جنگ کسی را

لایق تر از او برای ریاست جمهوری نداشتند با استعفای وی
به مخالفت برخاسته و او را وادار کردند که در مقام خود باقی
بماند.

جنگ با اردن

سربازان صهیونیست پس از شکست قوای مصر متوجه
کشور اردن گردیدند؛ زیرا ارتش اردن از نظر جنگاوری و
سلحشوری در میان کشورهای عربی معروف بود و با توپهای
دور زن خود شهرهای فلسطین اشغالی را گلوله باران می کرد
و توانسته بود در چند روز اول جنگ ضربات سختی به دشمن
وارد سازد.

سربازان اشغالگر قدس توانستند در مدت کوتاهی سپاه
اردن را در هم بشکنند و بیش از شش هزار نفر از آنها را بقتل
برسانند.

ارتش اردن پس از این شکست سنگین به سمت شرق رود اردن عقب نشینی کرد و منطقه غزه به تصرف اشغالگران قدس در آمد.

جنگ با سوریه

پس از شکست مصر و اردن، سربازان اشغالگر قدس متوجه کشور سوریه گردیدند. نیروهای سوریه که دیرتر از دیگران وارد جنگ شده بودند در ارتفاعات جولان دارای استحکامات محکمی بودند. سربازان سوری توانستند از پشت دیوارهای بتونی و فولادی شهرهای فلسطین اشغالی را گلوله باران کنند. دیوارهای بتونی ارتفاعات جولان مانع پیشروی سریع سربازان اشغالگر گردیده و حتی بمبهای ناپالم قادر به نابودی آن استحکامات نبود. هواپیماهای رژیم اشغالگر قدس با عکسبرداری هوائی و پیدا کردن نقاط ضعف سنگرهای

ارتش سوریه توانستند نیروهای سوریه را هم در مدت کوتاهی شکست داده ارتفاعات جولان را به تصرف در آورند. در این جنگ ارتش اشغالگر قدس توانست از عدم هماهنگی میان سران کشورهای عربی استفاده کرده و با پشتیبانی آمریکا در ظرف مدت شش روز قوای مصر، سوریه، اردن و بخشی از قوای عراق و عربستان سعودی را در هم شکند. همچنین در این جنگ که به جنگ شش روزه مشهور است نیروهای اسرائیلی موفق شدند دو برابر خاک اولیه خود را از سرزمینهای کشورهای عربی به اشغال خود در آورند.

قطعنامه شورای امنیت

در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ قطعنامه شماره ۲۴۲ شورای امنیت مبنی بر عقب نشینی اسرائیل از اراضی اشغال شده اعراب صادر گردید و همزمان با آن سازمان آزادیبخش فلسطین به ریاست یاسر عرفات تشکیل شد. جهان عرب که از شکست

های قبلی سخت دچار سرشکستگی شده بود به سازماندهی مجدد ارتش های خود و تحرک بخشیدن به فعالیتهای سیاسی و دیپلماتیک پرداخت.

سپتامبر سیاه

بعد از جنگ شش روزه که در سال ۱۹۶۷ رژیم اشغالگر قدس موفق شد کرانه غربی رود اردن را به تصرف خود در آورد هزاران نفر از چریکهای فلسطینی به نواحی شرقی خاک اردن کوچ کردند . ملک حسین همواره بیم آن داشت که مبادا روزی این چریکها قیام نمایند و حکومت او را ساقط کنند .

از طرفی دیگر شاه حسین در برابر رژیم اشغالگر قدس نیز خود را ناتوان می دید و احساس می کرد اسرائیلی ها می توانند با یک حرکت سریع اردن را به تصرف خود در آورند لذا به طور محرمانه با مقامات اسرائیلی مذاکره نمود و قرار بر این شد که چریکهای فلسطینی مستقر در اردن را خلع سلاح

نماید و از طرفی اسرائیلی ها به پادشاه اردن قول دادند در صورتی که حکومت او به مخاطره افتد آنها در اردن مداخله نمایند .

و علاوه بر این حملات مکرر و ششیخونه‌های پی در پی مستقر در اردن تلفات زیادی به سربازان اشغالگر قدس وارد می آورد و این مسائل با سیاست شاه حسین که سازش با اسرائیل بود منافات داشت و در صدد به دست آوردن بهانه ای برای نابودی چریکهای فلسطینی بود که در ۱۶ شهریور ۱۳۶۹ برابر با سپتامبر ۱۹۷۰ این بهانه به دست آمد و انفجار هواپیماهای آمریکایی و اسرائیلی در اردن به دست چریکهای فلسطینی باعث گردید در سحر گاه روز پنج شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۴۹ برابر با ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۰ ارتش اردن علیه چریکهای فلسطینی وارد عمل شود و در مدت ده روز نزدیک به ۲۰ هزار نفر فلسطینی را در مناطق مختلف اردن به قتل رساند و عده ای از آنها موفق به فرار به خاک لبنان شدند .

ناصر در روز آخر عمر خود موفق شد بین ملک حسین و عرفات آشتی برقرار نماید و موافقت نمایند نامه ای به امضاء برساند اما مرگ ناصر باعث گردید بار دیگر شاه حسین در سال ۱۹۷۱ قرار داد را زیر پا گذاشته اقدام به قتل فلسطینی ها نماید به طوری سادات که خود از چهره های سازشکار طرفدار غرب بود شاه حسین را قصاب فلسطین لقب دهد . پس از این واقعه بقیه فلسطینی ها به خاک لبنان پناه بردند واردن از نیروهای مقاومت فلسطین خالی گردید . فلسطینی ها به انتقام این برادر کشی موفق شدند نخست وزیر اردن (وصفی التل) که به دشمنی با سازمان آزادی بخش فلسطین شهرت داشت هنگام مسافرت به قاهره به قتل برسانند .

مرگ ناصر

مهمترین حادثه ای که در فاصله جنگ سوم و جنگ چهارم اتفاق افتاد مرگ جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر بود.

جمال عبدالناصر در سال ۱۹۱۸ در روستای نبی مور مصر تولد یافت پدرش پستیچی اسکندریه بود. ناصر پس از پایان تحصیلات متوسطه وارد ارتش شد و بعد از مدتی به دستکاری گروهی از افسران به فرماندهی ژنرال نجیب حکومت ملک فاروق پادشاه مصر را واژگون ساخت و پس از ریاست جمهوری ژنرال نجیب به مقام ریاست جمهوری رسید.

ناصر پس از شکست در جنگ شش روزه در صدد تجدید قوا و جنگ نهائی با اشغالگران قدس بود که ناگاه رژیم اردن در سال ۱۹۷۰ شروع به قتل عام آوارگان فلسطینی ساکن در اردن نمود.

ناصر که از جریان برادر کشی در اردن سخت ناراحت و نگران بود واز طرفی دیگر مصر مورد حملات هوایی اسرائیل قرار می گرفت ، سران کشورهای عربی را برای تشکیل کنفرانس به قاهره فراخواند وحتی برای آشتی دادن عرفات وشاه حسین از آنها نیز جهت شرکت در کنفرانس دعوت نمود بدین وسیله

اولین کنفرانس سران کشورهای عربی را در قاهره تشکیل داد .

ناصر در روزهای ۲۶-۲۷ سپتامبر مذاکرات مفصلی با سران عرب انجام داد و حتی موفق شد میان شاه حسین و عرفات آشتی برقرار نماید اما فشار عصبی بیش از حد باعث گردید تا ناصر در ۲۸ سپتامبر فوت نماید .

ناصر سخت به مذهب تشیع علاقه داشت و نمازش را بیشتر در مسجد رأس الحسین یا آرامگاه حضرت زینب برگزار می کرد. همسرش بانوی شیعه ایرانی بود و در اتاق پذیرایش تابلو مزین به نام پنج تن (الله - محمد - علی - فاطمه - حسن و حسین) نصب کرده بود و در زمان حکومت او در مصر مذهب شیعه در این کشور به رسمیت شناخته شد.

ناصر اگرچه در جنگ شکست خورد ولی شکستی پیروزمندانه بود و تاکنون رهبری شکست خورده مانند ناصر در پیش مردم محبوبیت نداشته است. پس از مرگ ناصر،

مصر یکپارچه عزادار گردید و مردم مصر در مراسم تشییع جنازه او یکپارچه فریاد می زدند ناصر تو را می خواهیم.

سادات در رأس قدرت

پس از مرگ ناصر، انورالسادات به ریاست جمهوری مصر انتخاب گردید. وی پس از روی کارآمدن دست به تلاشهای سیاسی تازه ای زد تا شاید بتواند از راه مسالمت آمیز با اشغالگران قدس از در صلح درآید و سرزمینهای اشغال شده را باز پس گیرد.

برای مثال در سال ۱۹۷۲ دولت مصر کارشناسان نظامی شوروی را از مصر اخراج کرد به امید اینکه از این راه می تواند نظر آمریکا را برای حل مسالمت آمیز مسئله جلب نماید. از طرفی دیگر نمایندگان مصر به تمام کشورهای عربی مسافرت نمودند و نظر بعضی از کشورهای عربی را برای احقاق حق اعراب جلب نمودند.

جنگ چهارم

جنگ چهارم اعراب و اسرائیل که به جنگ اکتبر یا رمضان مشهور است در تاریخ ششم اکتبر ۱۹۷۳ مطابق ۱۴ مهرماه ۱۳۵۲ و ۱۸ رمضان ۱۳۹۳ آغاز گردید.

چند روز قبل از آغاز جنگ سران کشورهای مصر، سوریه و اردن در قاهره اجتماع کردند و شاه حسین که پس از کشتار فلسطینی ها در سال ۱۹۷۰ منزوی شده بود دوباره به صف اعراب پیوست و صدها نفر از فلسطینی ها را که در زندانهای اردن بسر می بردند آزاد کرد.

رژیم اشغالگر قدس قصد داشت با دست زدن به یک حمله نظامی به سوریه و به دست آوردن پیروزی سیاسی و نظامی بزرگ، راه را بر روی جنگ با همه کشورهای عربی ببندد. لذا برای همین منظور تا روز پنجم اکتبر برای اجرای نقشه هنوز مشغول فراهم آوردن مقدمات جنگ بود. اما در روز ششم اکتبر بجای اینکه سربازان اشغالگر قدس در یک نبرد برق

آسا ارتشهای عربی را غافلگیر کنند خود غافلگیر شده و برای اولین بار مورد حمله نیروهای مصر و سوریه قرار گرفتند.

در اولین لحظات جنگ پل هایی توسط ارتش مصر بر روی کانال سوئز، نصب شد که نیروهای پیاده و موتوری مصر توانستند از آن عبور کنند.

سربازان مصر پس از عبور از کانال سوئز با دیوار شنی به عرض ۲ متر روبرو شدند که در کلیه نقاط آن مین گذاری شده بود و پس از عبور از این مانع به خط دفاعی بارلیف که کارشناسان آمریکایی آن را خط شکست ناپذیر نام نهاده بودند رسیدند. مصریها توانستند با موفقیت این خط دفاعی را تصرف نموده پا به صحرای سینا بگذارند.

در اولین حمله ۲۷ هواپیما و ۶۰ ارابه جنگی اسرائیل در سینا نابود گردید و همزمان با حمله ارتش مصر، ارتش سوریه به استحکامات نظامی اسرائیل در جولان هجوم برد و ضربات سختی را که منجر به تلفات

بی سابقه ای برای اسرائیل بود بار آورد.

در روز هفتم اکتبر ۴۳ هوایم اسرائیلی در جبهه سوریه نابود گردید و شهر قنیطره که در سال ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل در آمده بود به دست نیروهای سوریه افتاد و در همین روز وزیر خارجه اسرائیل گفت در صورتیکه اعراب به خطوط آتش بس ۶۷ باز گردند جنگ را متوقف می کنیم. فدائیان فلسطین نیز از داخل لبنان حملات سنگینی را آغاز کردند و با حملات چریکی گسترده ضربات سختی را به رژیم صهیونیستی وارد نمودند. نیروی هوایی و ضد هوایی اعراب که مجهز به موشکهای سام ۲، سام ۳، سام ۶ و سام ۷ ساخت شوروی بودند حملات دشمن را به خوبی خنثی می نمودند. در روز ۱۹ اکتبر مصر ۱۰۲ تانک اسرائیلی را نابود کردند.

نقش سایر کشورهای عربی در جنگ رمضان

روز اول جنگ وزیر امور خارجه آمریکا از دولت دست نشانده اردن خواست که در جنگ شرکت نکند و شاه حسین به نصیحت آمریکا گوش فرا داد و از شرکت در جنگ با وجود اینکه ۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک با رژیم اشغالگر قدس داشت خودداری کرد. یمن جنوبی با کمک سربازان مصر تنگه باب المندب را بر روی کشتیهای اسرائیل بست. لبنان بصورت پایگاهی تبلیغاتی کشورهای عربی در آمده بود و جهان را در جریان اخبار جنگ به نفع اعراب قرار می داد.

سایر کشورهای عربی به سرکردگی ملک فیصل پادشاه سعودی برای اولین بار تحریم نفتی علیه حامیان اسرائیل را آغاز نمودند. مراکش به اعزام نیروی نظامی به جبهه مصر پرداخت و الجزایر نیز به خرید صدها فروند تانک به صورت نقد از اتحاد شوروی و ارسال آنها به مصر اقدام نمود، جمهوری خلق چین نیز اعراب را به ادامه جنگ تشویق می

کرد و اروپا آرام نشسته بود و نمی خواست منافعش به خطر بیافتد.

در ۱۷ اکتبر نمایندگان کشورهای عربی صاحب نفت در کویت تصمیم گرفتند هر ماه ۵ درصد از تولید نفت بکاهند. در پاسخ این ندا، عراق همه سرمایه گذارهای آمریکایی و هلندی را ملی کرد و الجزایر و کویت و قطر فوراً ۱۰٪ و عربستان ۱۵٪ از تولید خود را کاهش دادند و کلیه دولتهای عربی از صدور نفت به آمریکا و هلند خودداری کردند. مسئله نفت باعث شد که کلیه کشورهای اروپایی غیر از هلند موضعگیری بی طرفانه نسبت به جنگ داشته باشند و حتی بعضی از آنها به گونه ای از اعراب پشتیبانی کردند، زیرا ۶۰٪ از حرارتی که زندگی و صنعت اروپا را می چرخاند از کشورهای عربی تأمین می شود.

در اولین ساعات نبرد نیروهای پيشاهنگ الجزایر به جبهه مصر پیوستند و دولت الجزایر اعلام داشت که همه امکاناتش

را در اختیار مصر و سوریه می‌گذارد. عراق در روز ۸ اکتبر نیروهای خود را به جبهه سوریه روانه کرد و لیبی همه امکانات خود را در اختیار مصر و سوریه قرار داد. دولت چاد گوشت مصرفی جبهه‌های عربی را تأمین می‌کرد. کشورهای آفریقایی یکی پس از دیگری روابط خود را با اسرائیل قطع می‌نمودند بطوریکه فقط در قاره افریقا کشور آفریقای جنوبی رابطه اش را با اسرائیل قطع نکرد.

شوروی علی‌رغم اختلافاتش با مصر و سوریه به پشتیبانی اعراب شتافت زیرا شکست اعراب در این جنگ به حساب شکست شوروی از آمریکا گذاشته می‌شد، پل هوایی اسلحه‌رسانی از آمریکا به اسرائیل کشیده شد. و در مقابل سیل سلاحهای شوروی به سوی کشورهای مصر و سوریه سرازیر گردید. کشورهای اروپایی برای اینکه مورد تحریم نفتی مصر قرار نگیرند آرام‌نشسته بودند و حتی اجازه ندادند سلاحهای آمریکایی از طریق آن کشورها به اسرائیل ارسال شود.

آتش بس

روز ۱۵ اکتبر سادات طی یک سخنرانی شرایطی برای قبول آتش بس اعلام داشت. و این اولین نشانه اختلاف در اردوگاه اعراب بود زیرا چند ساعت قبل از او حافظ اسد طی نطقی مواضع خود را درباره جنگی طولانی برای آزادی همه اراضی اشغالی اعلام کرده بود. در روز ۱۶ اکتبر اسرائیل از پیروزی خود در جبهه مصر سخن به میان آورد و از هفته دوم جنگ اعراب در موضعی تدافعی قرار گرفتند. در ۱۲ اکتبر وزیر امور خارجه آمریکا به شوروی رفت و در آنجا بر سر آتش بس به توافق رسیدند. در ۲۲ اکتبر شورای امنیت سازمان ملل بر طرح آمریکا و شوروی مبنی بر آتش بس رأی موافق داد. اسرائیل بلافاصله آتش بس را پذیرفت و سپس مصر موافقت خود را با آن اعلان نمود. اما ارتش اسرائیل از این فرصت استفاده کرد به بخشی از نیروهای ارتش سوم مصر در ساحل شرقی کانال سوئز فشار آورد و از آن نقطه عبور کرد. پس از

گذشت از کانال سوئز داخل خاک مصر گردید و شهر سوئز و ۲۰۰۰۰ هزار نفر از نیروهای ارتش سوم مصر را به محاصره در آورد. در واقع اسرائیل آتش بس را سپری برای پیشروی خود قرار داده و توانست در روز ۲۳ اکتبر ارتباط شهر سوئز از ارتش سوم مصر و بطور کامل با سایر نقاط مصر قطع نماید و پس از این پیروزیها قطعنامه جدید آتش بس را پذیرفت. سادات در مورد قبول آتش بس گفت: من به دو علت آتش بس را پذیرفتم اول اینکه قرار داد آتش بس مبتنی بر اجرای قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت است. یعنی عقب نشینی کامل اسرائیل از اراضی اشغالی و ضامن اجرای این قطعنامه دو قدرت بزرگ آمریکا و شوروی هستند. دوم اینکه رو درباستی من با آمریکا نمی جنگم، یازده روز با اسرائیل جنگیدم و به قول وزیر دفاع اسرائیل ذخائر آنها تمام شد و این امریکا بود که وارد عمل گردید. من برای جنگ با آمریکا آماده نیستم ...

چند ساعت پس از آتش بس روزنامه الاهرام از قول سادات نوشت : ما به اسرائیل ضربه ای زده ایم که تا ابد فراموش نخواهد کرد (۱) الآن آمریکا را در مقابل خود می بینیم و این بدون شک برای ما افتخار است، اما چون این اشعار در توانایی نمی گنجد ، به هیچ وجه چنین افتخاری را نمی خواهیم ، فرزندانم به تنهایی اسرائیل تنها را در هم کوبیدند ولی من به عنوان مسؤل نمی توانم به آنها بگویم جنگ را ادامه دهید در حالیکه آمریکا در مقابلشان ایستاده است .

اسرائیل پس از آنکه در جبهه مصر به پیروزی چشمگیری دست یافت تمام توان خود را در مقابل سوریه بکار گرفت و در این راه نه تنها تمام آنچه که سوریه در روزهای اول جنگ بدست آورده بود به چنگ آورد بلکه دهها کیلومتر از اراضی سوریه همراه با ۱۸ دهکده جدید را به اشغال خود در آورد و سوریه نیز ناگزیر در روز ۲۵ اکتبر(سه روز بعد از مصر) قطعنامه ۲۳ اکتبر که مقرر می داشت اسرائیل باید فوراً به

خطوط آتش بس ۲۲ اکتبر باز گردد پذیرفت. از آن پس بازگشت اسرائیل به خطوط ۲۲ اکتبر در رأس مطالبات اعراب قرار گرفت و بازگشت اسرائیل به مرزهای سال ۶۷ زیر پوشش قطعنامه ۲۳ اکتبر مسکوت گذاشته شد.

در روز ۱۵ نوامبر زیر چادر سازمان ملل واقع در کیلومتر ۱۰۱ جاده سوئز به قاهره برای اولین بار دو هیئت نظامی مصری و اسرائیلی به مذاکره نشستند و این مذاکرات در واقع برای اسرائیل یک پیروزی سیاسی بود زیرا اولاً توانسته بود اعراب را به پای مذاکره بکشاند، ثانیاً به بزرگترین مشکل اسرائیل که وجود اسرای اسرائیلی در مصر بود خاتمه دهد.

مصریها از این مذاکرات هیچ طرفی نبستند فقط در قبال آزادی اسرای اسرائیلی توانستند چند کامیون آذوقه برای ارتش سوم و مردم شهر سوئز ارسال نمایند و چند هزار نفر از افراد غیر نظامی که به اسارت اسرائیل درآمده بود آزاد سازند.

کنفرانس صلح ژنو

پس از شکست مذاکرات مصر و اسرائیل در کیلومتر ۱۰۱ جاده سوئز به قاهره در روز ۲۴ دسامبر با شرکت اسرائیل، مصر و اردن کنفرانس صلح ژنو آغاز بکار کرد و در جلسه افتتاحیه آن وزرای خارجه آمریکا و شوروی سرآغاز حل مشکلات خاورمیانه را به هم تبریک گفتند. اما این کنفرانس نیز به جایی نرسید و نتیجه آن فقط از سرگیری مذاکرات مصر و اسرائیل در چادر کیلومتر ۱۰۱ بود.

در مجموع مذاکرات چادر ۱۰۱ به توافق جداسازی نیروهای مصر و اسرائیل انجامید. در روز هجدهم ژانویه ۱۹۷۴ فرماندهان ارتشهای مصر و اسرائیل اولین موافقتنامه مصری - اسرائیلی را امضاء کردند و در همین روز نیکسون به سادات تبریک گفت. به موجب این قرارداد نیروهای اسرائیلی تا عمق ۳۲ کیلومتری داخل سینا عقب نشینی کردند و نیروهای سازمان ملل بین دو ارتش مصر و اسرائیل در شبه جزیره سینا

مستقر گردیدند. پس از مصر نوبت سوریه گردید و این کشور تحت فشار نظامی اسرائیل و فشار سیاسی همه کشورهای مرتجع ناگزیر به جداسازی نیروهایش با اسرائیل تن در داد و نیروهای سازمان ملل بین دو ارتش مستقر گردید و فلسطینیها که در جنگ اکتبر ضربات سختی بر اسرائیل وارد آورده بودند حملات خود را از خاک لبنان متوقف ساختند و در حقیقت اسرائیل به مهمترین هدفش یعنی دست یافتن به مرزهای امن نائل آمد.

مرگ ملک فیصل

در اواسط سال ۱۹۷۴ ملک فیصل پادشاه قدرتمند عربستان سعودی که در تحریم نفتی اعراب نقش چشمگیری را ایفا نموده بود ترور شد و با مرگ وی قدرتمندترین شخصیت بانفوذ عرب از صفحه جریانات سیاسی خارج گردید.

حادثه تکان دهنده

روز نهم نوامبر سال ۱۹۷۷ سادات طی یک سخنرانی در مجلس نمایندگان مصر اعلان نمود که حاضر است برای تحقق صلح به هر جایی که لازم باشد برود حتی اگر این مکان پارلمان اسرائیل باشد. این سخنان شگفتی جهانیان را برانگیخت و جهان عرب در بهت و حیرت فرو رفت. در تاریخ ۱۵ نوامبر مناخیم بگین نخست وزیر اسرائیل از طریق سفارت آمریکا در تل آویو از سادات دعوت نمود تا بطور رسمی از اسرائیل دیدن نماید و سادات به فاصله اندکی این دعوت را پذیرفت.

این موضوع عکس العملهای مختلفی در جهان برانگیخت و در روز ۱۹ نوامبر اسماعیل فهمی وزیر خارجه مصر استعفا داد و به جای او محمد ابراهیم کامل به وزارت خارجه منصوب گردید. تاریخ این بازدید در روز ۲۰ نوامبر مصادف با عید سعید فطر اعلان گردید و خلاصه روز موعود فرا رسید و

سادات با هواپیما وارد قاهره گردید و بعضی از تلویزیونها که این مسافرت را مستقیم پخش می کردند قدم گذاشتن سادات در خاک اسرائیل را به اندازه قدم نهادن انسان در کره ماه با اهمیت خواندند.

سادات که قبل از سفر هیچ یک از کشورهای عربی را مطلع نساخته بود و خودسرانه دست به این ماجراجویی زده بود خشم کشورهای عربی را برانگیخت و آنها نگران این بودند این جریان منجر به صلح جداگانه میان اعراب و اسرائیل گردد که آن هم انجام شد؟!

مذاکرات صلح

حاصل سخنرانی سادات در مجلس اسرائیل و مذاکراتش با اشغالگران قدس به تشکیل کنفرانس در اسماعیلیه انجامید و در آن شهر، سادات و بگین پس از مذاکرات محرمانه دو

کمیته سیاسی و نظامی تشکیل دادند که مذاکرات صلح را دنبال نماید.

کشورهای عربی پس از این جریان به سه گروه تقسیم گردید، گروه اول کاملاً مخالف، شامل سوریه، عراق، الجزایر، یمن جنوبی، لیبی و سازمان آزادی بخش فلسطین، این مجموعه بعداً به عنوان «جبهه پایداری» نامیده شد.

گروه دوم کشورهایی بودند که با این اقدام همراهی نشان دادند که عبارت بودند از، مراکش، سودان و عمان.

گروه سوم، کشورهای بی طرف بودند که عبارت بودند از عربستان سعودی، اردن و کشورهای حوزه خلیج فارس.

نتیجه مذاکرات صلح مصر و اسرائیل که با نظارت آمریکا در سپتامبر سال ۱۹۷۸ در کمپ دیوید آمریکا برگزار گردید انعقاد قراردادی بود که در تاریخ ۵ سپتامبر با حضور کارتر رئیس جمهور آمریکا، سادات رئیس جمهور مصر، مناخیم بگین نخست وزیر اسرائیل امضاء گردید و اسرائیل موفق شد

بزرگترین کشور عربی که تهدید بالقوه ای برای امنیت او محسوب می گردید از گردونه مخالفان خارج نماید و بلافاصله پس از انعقاد قرارداد صلح میان مصر و اسرائیل روابط سیاسی برقرار و سفیر بین دو کشور مبادله گردید.

پی آمدهای این صلح ذلت بار را می توان به شرح ذیل

خلاصه کرد:

۱- شکاف در میان نیروهای خط مقدم جبهه

۲- خارج شدن بزرگترین کشور عربی از صحنه مبارزات

علیه یهود

۳- تنها ماندن سوریه در جنگ علیه اسرائیل

۴- پایان یافتن تهدیدات جدی اعراب علیه اسرائیل

۵- از بین رفتن قبح سازش با اسرائیل موجب شد تا رژیم

های اردن و غیره نیز به زودی به آن پیوندند.

مرگ سادات

سادات که بر اثر خیانت به آرمانهای انقلاب فلسطین در میان جهان اسلام منفور شده بود لذا مجاهدان مصر تصمیم به از بین بردن او گرفتند . در اکتبر ۱۹۸۱ هنگامی که به مناسبت هشتمین سالگرد جنگ رمضان (اکتبر) رژه نظامی در حضور سادات برگزار بود سروان خالد اسلامبولی در جلو جایگاه مخصوصی با تیر اندازی به سوی سادات او را به قتل رساند و پس از او حسنی مبارک معاون وی جانشین سادات گردید که او نیز ادامه دهنده همان راه سادات می باشد .

علت شکست مصر در جنگ شش روزه

بزرگترین عامل شکست ناصر در جنگ شش روزه اعتقاد افراطی او بر ناسیونالیسم عرب بود ، در حالی که رهبران سایر کشورهای عربی جنبش ناسیونالیسمی را نمی پسندیدند و ناصر به جای اتکا به همگرایی اسلامی و به حرکت در آوردن

جهان اسلام برای کوتاه کردن دست اشغالگران از قبله اول
مسلمین، به تقویت ناسیونالیزم در جهان عرب پرداخت و امید
داشت با آغاز حمله، جهان عرب به پشتیبانی او بشتابند؛
متأسفانه این امر تحقق نیافت و چنانکه هواری بومدین از
پیش جمهوری الجزایر علی رغم داشتن هواپیماهای جنگی
بسیار زیاد به ناصر توصیه کرد که اجازه دهد اسرائیل وارد
خاک مصر شود و در جنگ دراز مدت او را نابود کند و حتی
یک اسکادران هوایی به مصر اعزام نکرد.

لبنان ورژیم صهیونیستی

پس از اشغال فلسطین توسط نیروهای اشغالگر
صهیونیستی عده زیادی از آوارگان فلسطینی به کشور لبنان
رفتند و بیش از ۱۵ اردوگاه در این کشور به پا ساختند که
معروفترین آنها تل زعترا صبرا وشتیلا می باشد

در سال ۱۹۶۷ در جریان جنگ شش روزه مزارع
شبعاجنوب لبنان به تصرف رژیم اشغالگر قدس در آمد
وزرمندگان فلسطینی از طریق مرز لبنان به اسرائیل حمله می
نمودند و سربازان رژیم صهیونیستی به بهانه تعقیب فلسطینی
ها از مرز گذشته شیعیان لبنان را به شهادت می رسانند یا
عده ای از آنها را دستگیر کرده با خود می بردند و بعضی را
برای عبرت دیگران اعدام می کردند. علاوه بر آنها
هوایماهای اسرائیلی با بمبهای ناپالم وساعت شمار به شکل
اسباب بازی برای جلب نظر کودکان فلسطینی و کشتن آنها بر
روی دهات مسلمان نشین واردگاه های فلسطینی بذر مرگ
می پاشیدند و شیعیان مصیبت دیده بر اثر این حملات ناگزیر
از روستا های مرزی فرار کرده در زاغه های کثیف و آلوده حومه
بیروت مسکن گزیدند و حرکت محرومین در چنین اوضاع
واحوالی در سال ۱۹۶۹ م . امام موسی صدر در میان مرز
نشینان جنوب لبنان حرکت محرومین را با شاخه مبارز نظامی

(امل) تاسیس نمود و به زودی این سازمان به صورت یکی از بزرگترین و نیرومندترین گروه های لبنانی در آمد و از آن پس شیعیان لبنان به صورت مهمترین نیرویی در آمدند که علیه صهیونیستها به مبارزه برخاستند .

رژیم اشغالگر قدس طی عملیاتی روستاهای جنوب لبنان را به تصرف خود در آورد و هزاران نفر از ساکنان آنها را آواره نمود و.....امام موسی صدر نیز در سال ۱۳۵۷هنگام مسافرت به لیبی به طور بسیار مرموزی ناپدید گردید. در سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲) رژیم اشغالگر قدس با موافقت ابر قدرتها بار دیگر به لبنان حمله کرد و حتی بیروت را به محاصره در آورد و اردوگاههای صبرا و شتیلا که که محل سکونت آوارگان غیر نظامی فلسطینی بود مورد حمله قرار داد و هزاران زن و کودک فلسطینی را به شهادت رساند و در نتیجه این تجاوزات اکثر چریکهای فلسطینی از لبنان آواره گردیده و در سال ۱۹۸۵ با کشتی عازم تونس شدند .

ولی اسرائیلی ها مبارزان فلسطینی در تونس رانیز به حال خود نگذاشتند و با همکاری آمریکا اردوگاهای آنها را بمباران کردند

ارتش جنوب

رژیم اشغالگر قدس که بیش از ۳۰۰۰۰ روستای لبنان را به تصرف در آورده بود برای وارد آوردن صدمات بیشتر با مسلح کردن جوانان مسیحی داخل سر زمینهای اشغالی تحت عنوان ارتش جنوب لبنان به سر کردگی آنتوان لحد به آزار و اذیت شیعیان جنوب لبنان پرداخت و اعضاء این گروهک تروریستی همه روزه به شهر ها و روستاهای مسلمان نشین حمله کرده آنها را به خاک و خون می کشیدند؛ در چنین شرایطی (امل) شاخه نظامی حرکت محرومیت لبنان نمی توانست پاسخگوی نیاز های شیعیان باشد؛ لذا بالهام از رهنمودهای رهبر کبیر

انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) حزب الله لبنان
تاسیس گردید .

حزب الله

سازمان حزب الله لبنان در سال ۱۹۸۲ با حمایت معنوی
جمهوری اسلامی ایران تأسیس گردید و جوانان مسلمان
لبنان که از زد و بند های سیاسی سازمانهای مختلف فلسطینی
ولبنانی نگران و ناراحت بودند ، دسته دسته به این سازمان به
عنوان یک سازمان آزاد ببخش خارج از زد و بند های سیاسی
پیوستند و حزب الله به سرعت موفق گردید تا به مقابله با
رژیم اشغالگر قدس پردازد و که برای حزب الله وجود داشت
، ایمان راسخ و روحیه شهادت طلبی اعضاء آن باعث گردید تا
موفقیت بزرگی در جبهه های نبرد بدست آورد .

ایمان به خدا ، عشق به شهادت و اعتقاد به روز قیامت امتیاز
بزرگی بود که حزب الله را بر رژیم صهیونیستی برتر می

ساخت واگر چه اسرائیل در این مدت با بمبارانهای پی در پی مواضع حزب الله و به شهادت رساندن رهبران آن از جمله شیخ راغب حرب ، سید عباس موسوی ، و تلاش گسترده ای را برای از بین بردن این گروه شیعه مذهب آغاز کرد اما این اعمال ترو ریستی نه تنها در از بین بردن حزب الله مؤثر واقع نشد بلکه توجه جهانیان نیز به این سازمان معطوف گردید و عزم جوانان حزب الله را سخت نمود و عملیات بی وقفه رزمندگان حزب الله خواب و خیال را از صهیونیستها گرفت و در این مبارزات بی امان سبب گردید تا رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۷۸ پس از ۲۲ سال مجبور به تخلیه جنوب لبنان گردد و در حقیقت برای اولین بار طعم تلخ شکست را از دست رزمندگان اسلام بچشید این پیروزی علاوه بر آنکه به افسانه شکست ناپذیر بودن اسرائیل پایان داد ، درس بزرگی بود برای کسانی که حل و فصل مسئله خاورمیانه را در گرو مذاکرات صلح جویانه می دانستند . همچنین پیروزی حزب

الله در لبنان امید مبارزه را در دل‌های رزمندگان داخل سر
زمینهای اشغالی زنده نموده و انتفاضه مردم فلسطین یکی از
ثمرات این مبارزات شجاعانه می باشد

آشنایی با سازمان مقاومت فلسطین

به محض اعلان وجود کشور اسرائیل مقاومت در مقابل
اشغالگران نیز از سوی فلسطینیها آغاز گردید و فلسطینیهایی
که از سرزمین خودشان رانده شده بودند شروع به تأسیس
سازمانها و احزاب و گروههای مختلف سیاسی و نظامی
نمودند و امیدوار بودند که بدینگونه بتواند به سرزمین اشغالی
خود بازگردند. اما پس از شکست ارتشهای عربی در جنگهای
۱۹۶۷ مردم فلسطین دریافتند که باید برای نبردی سخت و
طولانی برنامه ریزی نمایند. لذا جنبشهای مقاومت فلسطین
تحت نامهای مختلف الصاعقه، جبهه دموکراتیک خلق برای
آزادی فلسطین و مهمترین آنها الفتح تأسیس نمودند.

الفتح به رهبری یاسر عرفات از سال ۱۹۵۷ پایه گذاری گردید، عرفات در سال ۱۹۲۹ در بیت المقدس بدنیا آمده است. در سال ۱۹۴۷ با سازمان مسلح یهودی به نبرد پرداخت و پس از جنگ به قاهره عزیمت نمود و در رشته مهندسی به تحصیلات پرداخت و در دوران تحصیل بعنوان رئیس اتحادیه دانشجویان فلسطینی برگزیده شد و تا سال ۱۹۵۷ در این مقام قرار داشت. و در اولین قدم یک هفته نامه بنام «این فلسطین شماست» منتشر نمود.

این نشریه در کویت تهیه می شد و در فلسطین و بیروت منتشر می گردید. در سال ۱۹۶۰ این سازمان تمرینات نظامی خود را آغاز نمود و برای اینکه کاملاً مخفی باشد به چند جنبش تقسیم شد که این جنبشها نمی توانستند ما بین خود رابطه برقرار نمایند.

در سال ۱۹۶۴ تمامی جنبش ها گرد هم شدند و مجمع فلسطین را در بیت المقدس ایجاد کردند و نام سازمان

آزادبخش فلسطین بر خود نهادند. این سازمان اولین عملیات نظامی بر علیه اسرائیل را سازمان دهی کرد و در بیست ژانویه ۱۹۶۵ نیروهای الفتح موفق شدند تأسیسات آبی اسرائیل بر روی اردن از بین ببرند.

در جنگ شش روزه، ارتش اردن و مصر به نیروهای فلسطین اجازه انجام عملیات در خاک اسرائیل را نمی دادند و فقط در سوریه تا حدی آزادی عمل داشتند و نیروهای این سازمان تحت فرماندهی یاسر عرفات به عملیات کماندویی در داخل مرزهای اسرائیل پرداختند.

مهمترین مقاومت سازمان آزادبخش فلسطین مربوط به پنجشنبه ۲۱ مارس ۱۹۶۸ در شهر کرامه است زیرا فلسطینیها برای اولین بار از سال ۱۹۶۸ به بعد به پیروزی دست یافتند و موفق شدند نیروهای اسرائیلی را از شهر کرامه بیرون برانند، و تلفات سنگینی به آنها وارد نمایند. مجمع ملی فلسطین در سال ۱۹۶۹ در قاهره تشکیل گردید و هیئت

اجرائی جدیدی انتخاب نمود و یاسر عرفات بعنوان رئیس هیئت اجرایی انتخاب گردید.

مقاومت در داخل سرزمین های اشغالی

گروههای فلسطینی که در داخل خاک فلسطین باقی ماندند از آغاز اشغال فلسطین در سال ۱۹۱۷ مقاومت را علیه اشغالگران آغاز کردند و آنها با تکیه بر ایدئولوژی اسلامی در مساجد و محافل مذهبی شروع به بسیج نیروهای مقاومت نمودند و اولین قیام خود را در سال ۱۹۲۹ بنام قیام براق آغاز کردند. براق نام دیواری است که حضرت رسول اکرم شب معراج مرکب خود را بر آن بسته است.

رهبری این قیام بر عهده شیخ امین حسینی مفتی اعظم فلسطین بود و در همین زمان شیخ عزالدین قسام از سوریه به فلسطین آمد و هدایت مردم فلسطین را در مبارزه علیه اشغالگران به عهده گرفت.

شیخ عزالدین قسام در همان آغاز با کمک جوانان برومند فلسطینی شروع به تشکیل گروههایی به نام قسامیون کرد. این گروهها سلسله عملیاتی را علیه ارتش اشغالگر آغاز کردند.

شیخ عزالدین از سوی انگلیسیها و صهیونیستها مورد تعقیب قرار گرفت و به جنگ و گریز با آنها پرداخت و تا زمان شهادت شیخ سال (۱۹۳۵-۱۹۱۳) این جنگ و گریز ادامه داشت.

مردم فلسطین پس از شهادت شیخ عزالدین قسام در سال ۱۹۳۶ انقلاب عظیمی بنام (قیام سراسری) برپا کردند و هسته اولین جهاد اسلامی توسط پیروان شیخ از همین زمان آغاز گردید و از شاگردان برجسته شیخ می توان شیخ فرهان سعدی، عبدالقادر حسین و حسن سلامه اشاره کرد.

بعد از اشغال ۸۰٪ از خاک فلسطین در سال ۱۹۴۸ گروههای داوطلب جمعیت اخوان المسلمین از کشورهای

مصر، سوریه، اردن، لبنان و عراق برای مبارزه در کنار برادران دینیشان به فلسطین آمده و به مبارزه علیه اشغالگران پرداختند و در همین زمان جمعیت اخوان المسلمین به عنوان یک جنبش جهادی اسلامی مطرح شد و طرفداران زیادی در جهان عرب پیدا نمود.

جنبش حماس

از سال ۱۹۵۲- (۱۳۳۰) تا سال ۱۹۶۷- (۱۳۴۵) که روح انقلاب ناسیونالیستی در مصر حاکم بود جنبشهای اسلامی اجازه فعالیت خود را از دست دادند و در نتیجه جنبشهایی جهت گرا و کمونیست در عرصه مبارزات فلسطینی پدیدار گردید. اما پس از شکست اندیشه ی ناسیونالیستی در سال ۱۹۶۷ بار دیگر نیروهای اسلامی جان تازه ای گرفتند و در تاریخ ۱۴/۱۲/۱۹۸۷ (۱۳۶۶) جنبش حماس با صدور بیانیه ای رسماً موجودیت خود را اعلان نمود.

انتفاضه واژه ای است که از سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶) وارد فرهنگ سیاست گردید و مردم فلسطین با خیزش و قیام، اعتراض مستمر و غیر مسلح خود را در رابطه با رژیم صهیونیستی اعلان نمودند. فلسطینیان معترض و خشمگین در مقابله با صهیونیستها از سنگ استفاده می کردند و در حقیقت با سنگ به جنگ تانک شتافتند و به همین جهت از انتفاضه به عنوان انقلاب سنگ یاد می شود.

انتفاضه اول در پی کشته شدن چند نفر فلسطینی در جنوب فلسطین اشغالی و در یک حادثه رانندگی به وقوع پیوست و شورشها در سراسر کرانه باختری اردن گسترش یافت و سازمان آزادیبخش فلسطین از انقلاب مردم استفاده کرد و در کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱ شرکت نمود و موفق شد با پشتوانه انتفاضه در سال ۱۹۹۲ دولت خودگردان فلسطین را تشکیل دهد و این امر باعث فروکش کردن انتفاضه گردید.

تشکیل دولت خودگردان

امضای قرارداد اسلو بدست اسحق رابین، نخست وزیر کارگری اسرائیل و متعاقباً اعطای خودمختاری به فلسطینیان در داخل بخش ناچیزی از مناطق اشغالی، بر طبق این قرارداد موجب افراطی تر شدن افکار عمومی اسرائیل شد. پس از آن که رابین نخست وزیر وقت اسرائیل در سال ۱۹۹۵ به دست یک یهودی افراطی به کام مرگ رفت، بنیامین نتانیاهو رهبر حزب لیکود در رأس قدرت قرار گرفت. در چهارم ماه می سال ۱۹۹۹ هنگامیکه عرفات طبق قرارداد اسلو می خواست تشکیل دولت مستقل فلسطین را اعلام کند نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل واکنش سریع و تندی را از خود نشان داد و اعلام کرد «در صورت بروز چنین حالتی اسرائیل حق مسلم خود می داند تا مناطق آزاد شده فلسطین را مجدداً بطور کامل اشغال کرده ضمیمه خود کند». در فوریه سال ۱۹۹۹ بار دیگر عرفات پیشنهاد کرد که کنوانسیون با کشور اردن تشکیل

دهد که حکومت لیکود به شدت با آن مخالفت کرد و مشاور نخست وزیر اسرائیل گفت آنچه که عرفات بر آن تاکید دارد همان اعلان یک جانبه کشور فلسطین است و این چیزی است که اسرائیل نمی تواند آن را تحمل کند.

در مقابل حزب لیکود که کشور کنفدراسیون را مترادف با تشکیل دولت مستقل تلقی می کرد. حزب کارگر اسرائیل آن را روزنه ای برای گریز از تن دادن به تشکیل دولت مستقل فلسطین می دانست و از طرح «زمین در برابر صلح حمایت می کرد». حزب کارگر اسرائیل در ماه می سال ۱۹۹۹ در انتخابات به پیروزی رسید و باراک بعنوان نخست وزیر انتخاب گردید. وی در نظر داشت با تشکیل کنفدراسیون (اردنی - فلسطینی) از تحمل بار کنترل فلسطینی ها خلاص شده و بار مسئولیت آنها به حاکمیت اردن محول سازد.

اسرائیل که روزگاری در تلاش بود تا با حذف وجود هویت فلسطینی و انکار سکونت تاریخی آنها در سرزمین فلسطین، خواسته های خود مبنی بر تسلط کامل بر مناطق فلسطین را عملی ساخته، اشغال آن مناطق و اخراج و آواره نمودن ساکنانش را توجیه نماید. با اوج گیری انتفاضه همراه با فشار های بین المللی کشورهای عربی و اسلامی، وادار گردید تا از برخی مواضع خویش به صورت مقطعی عقب نشینی کند. از جمله آن که مجبور شد هویت فلسطینی ها را به رسمیت شناخته و ساف را به عنوان نماینده مردم فلسطین مورد شناسایی قرار دهد. متعاقباً اسرائیل با این سازمان وارد مذاکره شد و در سال ۱۹۹۳ قرارداد (اسلو) مبنی بر اعطای خود مختاری به فلسطینیان در کرانه باختری و نوار غزه به امضاء رسید. بر اساس این قرار داد ۳٪ از کرانه غربی معادل ۱۶۷ کیلومتر مربع و ۶۰٪ از غزه معادل ۱۲۱ کیلومتر مربع که

مجموعاً حدود ۲۸۸ کیلومتر مربع است تحت حاکمیت غیره نظامی حکومت خود گردان قرار گرفت .

تشکیل شورای قانونگذاری فلسطین

در پی اجرای این قرارداد اسلو در ۲۰ ژانویه ۱۹۹۶ اولین انتخابات شورای قانونگذاری فلسطین در ۱۶ حوزه برگزار شد و حدود یک میلیون نفر در آن شرکت کردند و گروههای اسلامی حماس و جهاد اسلامی و جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جبهه دموکراتیک فلسطین انتخابات را تحریم کردند ولی انتخابات در چنین شرایطی برگزار شد و شورای قانونگذاری شروع بکار کرد اما نتوانست نقش مهمی در حیات سیاسی فلسطین ایفا نماید ۱.

شورای قانونگذاری فلسطین از ۸۶ عضو تشکیل شده است که ترکیب اعضاء آن عبارت است از: حزب فتح ۵۵ عضو، فتح

مستقل ۷ عضو، اسلامی مستقل ۴ عضو، مسیحی مستقل ۳ عضو، مستقل ۱۵ عضو، سامری ۱ عضو، سایرین ۱ عضو.

عرفات پس از تشکیل مجلس قانونگذاری به عنوان رئیس دولت خودگردان کابینه ای را به شورا معرفی کرد و علیرغم چند رای عدم اعتماد بعضی از اعضاء فتح موفق شد اولین کابینه دولت خودگردان فلسطین را تشکیل دهد و هیئت دولت رژیم اشغالگر قدس نیز ناگزیر در جلسه ۲۹ اسفند ۱۳۷۸ (۱۹ مارس ۲۰۰۰) با ۱۶ رأی موافق و ۶ رأی مخالف نقشة عقب نشینی از ۶/۱٪ کرانه باختری رود اردن را تصویب کرد. بدین ترتیب حدود ۶۰٪ از ساکنان کرانه باختری تحت حاکمیت تشکیلات خودگردان قرار گرفتند.

از آن زمان عرفات تلاشهای دیپلماتیک خود را برای تکمیل اجرایی قرارداد مکمل اسلو و توسعه خودگردانی و نهایتاً تشکیل دولت مستقل فلسطین به کار گرفت در حالی که دولتمردان اسرائیل شدیداً با تشکیل دولت مستقل فلسطین

مخالفت نموده و برای جلوگیری از تحقق آن موانع زیادی بر سر راه آن قرار داده اند. تشکیل دولت مستقل فلسطین مستلزم بازگشت چندین میلیون پناهنده فلسطینی، عقب نشینی کامل اسرائیل از کرانه غربی و نوار غزه، بر چیده شدن شهرکهای یهودی نشین و چشم پوشی از ذخایر آب آن مناطق است.

بسیاری از شخصیت های فلسطینی از پیشنهاد عرفات انتقاد کرده و معتقد بودند تحقق زود هنگام این طرح امتیازات را به نفع اسرائیل جمع کرده پرونده فلسطین را کاملاً به نفع اسرائیل می بندد و در نتیجه با اوج گیری انتفاضه هیچ یک از طرفین نتوانستند طرحهای خود را به تحقق برسانند. زیرا اسرائیل امیدوار بود عرفات از حملات فلسطینیها مخصوصاً عملیات استشهادهای رزمندگان فلسطینی جلوگیری نماید که عرفات به هیچ وجه موفق به چنین کاری نشد و انتفاضه با قدرت بیشتری در صحنه سیاسی خاورمیانه ظاهر شد؛ و

عملیات استشهادی فلسطینی ها خواب را از چشم اشغالگران
ربود. لذا پس از به قدرت رسیدن شارون که به قصاب صبرا و
شتیلا معروف است بار دیگر توافق هایی انجام شده زیر پا
گذاشته شد و اقدامات بی رویه او موجب بروز انتفاضه جدید
گردید.

انتفاضه مسجد الاقصی

انتفاضه دوم که به انتفاضه مسجد الاقصی مشهور است در
روز پنج شنبه ۷ مهرماه ۱۳۷۹ (ه. ش) برابر با ۲۸ سپتامبر
سال ۲۰۰۰ میلادی در پی بازدید آرین شارون رهبر حزب
لیکود از مسجد الاقصی آغاز گردید و به دنبال آن موجی از
خشم و غضب سرزمینهای اشغالی را فراگرفت و اسرائیل
منتظر بود تشکیلات خودگردان بتواند در برابر این موج قرار
گرفته انتفاضه را سرکوب نماید و مانع عملیات استشهادی در
سرزمینهای اشغالی بشود. اما تشکیلات خودگردان و در رأس

آن عرفات که با حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی بر اریکه قدرت تکیه زده بود نتوانست مانع انتفاضه گردد و در نتیجه بار دیگر نیروهای اشغالگر صهیونیست از اواسط سال ۱۳۸۱ حمله به محدوده دولت خودگردان مخصوصاً اردوگاه جنین را آغاز نمودند و به قتل و کشتار فلسطینیان پرداختند و عملاً دولت خودگردان را از حیّز انتفاع ساقط کردند اما نتوانستند انتفاضه را سرکوب نمایند و ناگزیر برای به دست آوردن برگ برنده دیگری تشکیلات خودگردان را مجبور نمودند که با انتخاب نخست وزیر موافقت نماید و در اوائل سال ۱۳۸۲ محمود عباس از سوی عرفات زیر فشار آمریکا و اسرائیل به نخست وزیری انتخاب گردید و آمریکا برای تحرک بخشیدن به روند سازش و مبارزه با فلسطینیها، پس از اشغال عراق در ۸۲/۱/۱۹ طرح جدید صلح به نام نقشه راه ارائه داد و برای جلب توجه جهانیان به این طرح، بوش شخصاً به خاور میانه مسافرت کرده و در کنفرانس شرم الشیخ مصر و بندر عقبه

اردن که در ۱۴ و ۱۵ خردادماه ۸۲ برگزار شد شرکت نمود و محمود عباس نخست وزیر تشکیلات خودگردان و شارون نخست وزیر رژیم صهیونیستی را به پشت میز مذاکره نشانند. اما نقشه راه نسبت به طرحهای قبلی امتیاز جدیدی برای فلسطینیها در بر ندارد و براساس این طرح رهبری فلسطین باید اسرائیل را به رسمیت بشناسد و خواستار متوقف شدن تمام حرکتهای نظامی و غیر نظامی علیه اسرائیل گردد و رهبری اسرائیل نیز باید بپذیرد که دولت مستقل فلسطین در محدود مشخصی در کنار اسرائیل تشکیل گردد.

دستگاه های امنیتی فلسطینی باید پیوسته زیرساختهای سازمانهای مبارز فلسطین را نابود کرده و سلاحهای آنها را مصادره نمایند و امنیت کامل اسرائیل را برقرار سازند و در عوض اسرائیل از ساخت و ساز شهرکهای جدید یهودی نشین خودداری نماید، و شهرک هائی که از سال ۲۰۰۱ بنیان نهاده شده از میان خواهد برد و سرانجام در مرحله نهایی

اسرائیل و فلسطین در سال ۲۰۰۵ به درگیریهای خود پایان داده و به یک وضعیت دائمی صلح خواهند رسید و این توافق از راه مذاکره میان طرفها به دست خواهد آمد و در این نقشه به وضعیت قدس اشاره واضحی نشده است و بیش از چهار میلیون فلسطینی آواره را بلا تکلیف گذاشته است و از طرفی دیگر هیچ مانعی برای اشغالگران وجود ندارد که هر وقت بخواهند مانند سال ۱۳۸۱ به سرزمینهای تحت تسلط دولت خودگردان حمله نموده و بار دیگر شرایط را به نفع خود تغییر دهند. البته حماس و سایر سازمانهای مردمی فلسطین با این طرح مخالف می باشند و حتی حماس مذاکره خود با محمود عباس نخست وزیر تشکیلات خودگردان نیز به عنوان اعتراض به قبول این طرح قطع کرد و محمود عباس نیز پس از چند ماه حکومت مجبور به استعفا گردید.

به نظر می رسد نقشه راه نیز به زودی به سرنوشت طرحهای قبلی دچار خواهد شد و به یقین هر طرحی که حقوق

حقه فلسطینی ها را به رسمیت نشناسد و راه بازگشت
آوارگان را به کشورشان هموار نسازد محکوم به شکست
خواهد بود.

ایران و انقلاب فلسطین

ایران در زمان رژیم طاغوت یکی از سر سپرده ترین رژیم
های منطقه نسبت به آمریکا و از دوستان صمیمی اسرائیل
محسوب می گردید و اجرا کننده خواسته های آمریکا در
منطقه بود چنانکه واشنگتن پست در ۲۲ آوریل ۱۹۷۳ می
نویسد: «ایران در واقع به عنوان پلیس منطقه توسط آمریکا
مورد استفاده قرار می گیرد و هلمز به خاطر همین مسئله به
ایران رفته است». همزمان با حضور ریچارد هلمز در ایران
همکاری میان ایران و اسرائیل نیز شدت یافت ، زیرا تا قبل
از آن همکاری ایران و اسرائیل اقتصادی بود ولی پس از در
سطح نظامی و جاسوسی توسعه یافت . سازمان امنیت ایران

و اسرائیل و سیای آمریکا فعالیت جاسوسی مشترک را شروع کردند و اسرائیل به تربیت کادر های نظامی ایران پرداخت (۱) و از در آمد نفت ایران، خلیج فارس به یک اردوگاه نظامی و جنگی تبدیل شد و نیروهای نظامی ایران عملا در سرکوبی جنبشهای انقلابی منطقه شرکت نمودند (۲) و حتی در جنگهایی که رژیم اشغالگر قدس بر ضد اعراب به راه می انداخت رژیم ایران نه تنها هیچ کمک نظامی در اختیار مسلمین نمی گذاشت بلکه طبق بعضی از شایعات کمکهای زیادی نیز در اختیار اسرائیل قرار می داد و در جنگ ۱۹۷۳ علی رغم فشار مردم مبنی بر کمک به کشورهای مصر و سوریه در جنگ علیه اشغالگران قدس ، رژیم ایران ناگزیر پس از پایان جنگ مقداری دارو در اختیار مصر و سوریه قرار داد و پس از آتش بس نیز سربازان ایران در قالب نیروهای سازمان ملل در خط حائل بین نیروهای سوریه و اسرائیل در ارتفاعات جولان شرکت نمودند و بعد از پیروزی انقلاب

شکوه‌مند اسلامی ایران به وطن باز گشتند و سفارت رژیم اشغالگر قدس در تهران تعطیل و در اختیار فلسطینی‌ها قرار داده شد و این اولین سفارت فلسطین در جهان بود که در تهران گشوده شد و حضرت امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی شعار اسرائیل باید از بین برود مطرح فرمودند و برای بسیج مسلمین جهان، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان هر سال را روز جهانی قدس قرار دادند و همه ساله در این روز در اغلب کشورهای جهان تظاهرات عظیمی به نفع مردم فلسطین انجام می‌گردد و کمک‌های مادی مردم ایران به مردم ستمدیده فلسطین و حمایت‌های معنوی دولت ایران از انتفاضه و حزب الله لبنان باعث گردیده که آمریکا یکی از موانع اصلی تحقق صلح آمریکایی در خاورمیانه را ایران بداند و تاکنون فشارهای زیادی بر ایران وارد گردیده و اتهامات بی‌اساسی متوجه نظام جمهوری اسلامی ایران نموده‌اند، بلکه بتوانند قدری از حمایت‌های مردم ایران از مردم مظلوم

فلسطین بکاهند که خوشبختانه تا کنون موثر واقع نگردیده و دولتمردان ایران مخصوصاً رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت ا... خامنه ای بر ادامه نهضت فلسطین تأکید دارند چنانکه می فرمایند: راه ما راه امام خمینی(ره) است و در این راه با تمام قدرت و قاطعیت خود حرکت خواهیم کرد .

در جنگ ۱۹۵۶ بعد از آنکه ناصر به سرعت نیروهای ارتش زمینی خود را از صحرای سینا به سواحل غربی کانال سوئز عقب کشانید تا آنها را از متلاشی شدن کامل حفظ نماید . مردم شهرهای سواحل مدیترانه و کانال سوئز با برداشتن اسلحه به مقابله با نیروهای متجاوز اسرائیلی ، انگلیسی و فرانسوی شتافتند . شهر پورت سعید شاهد مقاومت قهرمانانه مردم این شهر علیه تجاوز گران بود ؛ مقاومت مردم به حدی شدید بود که چتر بازان انگلیسی نتوانستند شهر را با موفقیت اشغال کنند . جهاد به معنای واقعی آن صورت گرفت اما در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ قبل از آنکه مردم

کوچکترین امکانی برای مقاومت پیدا نمایند ارتش‌های عربی
متلاشی شد (۱)

سخن آخر

شکست پی در پی اعراب در چند سال گذشته را نباید به علت توانمندی های رژیم صهیونیستی در میدان نبرد دانست بلکه عامل اصلی این شکست را باید در خیانت سران کشور های عربی جستجو کرد زیرا سران خائن عرب نه تنها هیچ گاه مردم را برای مبارزه با رژیم صهیونیستی بسیج نکرده اند بلکه مانع وسد راه بزرگی در برابر مردم کشور های خود بوده اند و حتی چنانکه رهبران اغلب کشور های عربی اجازه نمی دهند که مردم در راهپیمایی و تظاهرات روز قدس شرکت نمایند و حال آنکه در اغلب کشور های اروپایی و حتی آمریکا این راهپیمایی برگزار می شود. چنانکه در جنگ ۱۹۵۶ بعد از آنکه ناصر به سرعت نیرو های ارتش زمینی خود را از

صحرای سینا به سواحل غربی کانال سوئز عقب کشانید تا آنها را از متلاشی شدن کامل حفظ نماید . مردم شهرهای سواحل مدیترانه و کانال سوئز با برداشتن اسلحه به مقابله با نیروهای متجاوز اسرائیلی ، انگلیسی و فرانسوی شتافتند . شهر پورت سعید شاهد مقاومت قهرمانانه مردم این شهر علیه تجاوز گران بود ؛ مقاومت مردم به حدی شدید بود که چتر بازان انگلیسی نتوانستند شهر را با موفقیت اشغال کنند . جهاد به معنای واقعی آن صورت گرفت اما در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ قبل از آنکه مردم کوچکترین امکانی برای مقاومت پیدا نمایند ارتشهای عربی متلاشی شد (۱)

در جریان انتفاضه مسجد الاقصی اوج این مبارزات مردمی علیه اشغالگران می باشد و این حرکت سر آغاز تحولات جدیدی در معادلات خاور میانه می باشد.

زیرا مردم سرزمینهای اشغالی به جای چشم دوختن به بازیهای سیاسی سران عرب این بار خود دست به کار شده

وباپرتاب سنگ عرصه را بر تانکهای اسرائیلی تنگ نموده اند به طوری که سیاست مشت آهنین شارون در یک سال گذشته و قتل عام اردوگاه جنین در سال ۱۳۸۱ نتوانست انتفاضه را خاموش نماید. امروز انتفاضه پویا تر از همیشه در صفحه های سیاسی و نظامی منطقه خود نمایی می کند و کم کم جای خود را در محافل سیاسی جهان باز نموده و اعتبار و موقعیت سیاسی رژیم صهیونیستی را به طور جدی زیر سؤال برده است و عملیات شهادت طلبانه زنان و مردان فلسطینی چنان عرصه را بر سران رژیم صهیونیستی تنگ آورده که در نیم قرن گذشته سابقه نداشته است .

مهاجرت به سرزمینهای اشغالی که بزرگترین هدف صهیونیست ها بوده به صفر رسیده و حتی فرار از فلسطین اشغالی آغاز گردیده است و اقتصاد اسرائیل در بدترین وضع در چند سال گذشته رسیده است . صنعت توریسم که یکی از منابع عمده در آمد رژیم صهیونیستی می باشد از رونق افتاده

و امروز هیچ کس حتی در عمق سرزمینهای اشغالی احساس امنیت نمی کند و هر لحظه ممکن است یک رزمنده فلسطینی از جان گذشته موانع موجود در سر زمینهای اشغالی را پشت سر گذاشته زنگ خطر را در گوش اشغالگران بنوازد و این حرکت نوید بخش پیروزی بزرگی در عرصه نظامی در خاور میانه می باشد؛ هر چند که رهبران خائن فلسطینی بارها و بارها تلاش کرده اند تا انتفاضه را مهار کرده و خاموش سازند اما ایمان به خدای سبحان و روحیه شهادت طلبی در رزمندگان فلسطینی باعث گردیده تا انتفاضه همچنان زنده و پابرجا باقی بماند و حمایت های معنوی مردم جهان عامل دلگرم کننده دیگری برای مردم فلسطین در این مبارزه می باشد و امید آنکه این حرکت مردمی که بر خواسته از عمق جان مردم می باشد به تشکیل حکومت مستقل فلسطینی به مرکزیت قدس شریف بینجامد .

انشا الله